

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درس خارج فقه نظام خانواده آیت الله اراکی رحمته الله علیه

عنوان درس:	فقه نظام خانواده	جلسه ۱۳	تاریخ درس:	۱۳۹۹/۱۱/۹
عنوان فرعی ۱	نکاح			
عنوان فرعی ۲	کفویت			
عنوان فرعی ۳	خلاصه بحث			
مقرر:	حجت الاسلام والمسلمین زحمتکش			

خلاصه‌ای از مباحث را ذکر می‌کنیم تا دوستانی که نبودند، با مباحث آشنا شوند. گفتیم یکی از شرایط نکاح این است که زوجین، کفویکدیگر باشند و گفتیم ایمان یا اسلام در آن شرط است و گفتیم مراد از اسلام، اسلام به معنای اعم است که شامل غیر شیعه نیز می‌شود. [البته اینکه ازدواج با مسلمین غیر شیعه کراهت دارد یا ندارد را بعداً بحث خواهیم کرد؛ ولی اسلام، در صحت نکاح کفایت می‌کند] و گفتیم قومیت‌ها و جایگاه اجتماعی و امثال آن، شرط در کفویت نیست؛ هرچند در اعراب جاهلی، این موارد شرط در کفویت به شمار می‌آمده است؛ لکن اسلام مبارزه جدی در این رابطه انجام داد تا این اعتبارات را ملغی کند.

شرط دیگر در کفویت، مسأله عفاف و یسار است و گفتیم مراد از یسار این است که شخص، توان انفاق واجب بر زن را داشته باشد و بحث کردیم که آیا واقعا این شرط است؟ اگر آری پس چرا آیه می‌فرماید:

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^۱

مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درست‌کارتان را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است!

و یا چرا می‌فرماید:

«وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ قَتَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ»^۲

۱. سوره نور: ۳۲.

۲. سوره نساء: ۲۵.

و آنها که توانایی ازدواج با زنان (آزاد) پاکدامن باایمان را ندارند، می‌توانند با زنان پاکدامن از بردگان باایمانی که در اختیار دارید ازدواج کنند.

که این آیات نشان دهنده این است که توان مالی شرط نیست.

گفتیم در اینکه با روایات ظاهره در شرطیت یسار – که چند نمونه از آنها را خواندیم و برخی صحیح بود به این مضمون که: «الْكُفُوَ أَنْ يَكُونَ عَفِيفًا وَعِنْدَهُ يَسَارٌ»^۱ – چگونه عمل کنیم، سه نظر وجود دارد:

یک نظر این است که احادیث شرطیت یسار، حمل بر استحباب شود؛ لکن این نظر درست نیست به این دلیل که احادیث شرطیت یسار، نسبت به احادیثی که در کفویت، فقط ایمان را شرط دانسته‌اند، عموم و خصوص مطلق‌اند؛ لذا روایات شرطیت یسار، ظهور در تقیید دارد و آن دسته روایات مطلق را تقیید می‌زند و وجهی برای حمل روایات شرطیت یسار به استحباب وجود ندارد.

راه دیگر در جمع این است که گفته شود شرطیتی که یسار در آن شرط است، شرطیت عرفی است؛ یعنی روایاتی که می‌فرموده: «الْكُفُوَ أَنْ يَكُونَ عَفِيفًا وَعِنْدَهُ يَسَارٌ»؛ یعنی «الکفو عند الناس و لدى العرف». گفتیم این نظر نیز خلاف ظاهر است زیرا کلام امام بما هو امام، ظهور در بیان کفویت شرعی دارد و مأمور بیان احکام شرع است، نه سخنگوی عرف.

وجه سوم این است – که جمع کثیری از فقها به این وجه جمع قائل شدند – معنای شرطیت یسار، شرطیت در لزوم نکاح است، نه شرطیت در اصل صحت نکاح؛ یعنی اگر شوهر توان انفاق بر زوجه را نداشت، برای زوجه خیار وجود دارد و می‌تواند نکاح را فسخ کند. لکن ما گفتیم روایات باب، ظهور در خیار فسخ ندارد بلکه دلالت صریح برخی روایات این است که حاکم، می‌تواند فسخ کند؛ که این مسأله‌ای غیر از خیار فسخ است. شاید مقصود آنها نیز از خیار فسخ این باشد که زوجه هنگامی که شوهرش نتوانست معاش او را تأمین کند، می‌تواند به حاکم شکایت کند؛ حاکم می‌تواند زوج را اجبار به طلاق کند نه اینکه برای زوجه خیار فسخ باشد و اگر شوهر علی‌رغم اینکه حاکم او را مجبور به طلاق کرده، طلاق ندهد، حاکم می‌تواند بین آنها جدایی حاصل کند؛ که در این باب روایاتی را نیز خواندیم که به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

مرحوم صدوق به سند صحیح از ربعی و فضیل بن یسار روایت می‌کند:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ«مَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ» قَالَ: إِنْ أَنْفَقَ عَلَيْهَا مَا يُقِيمُ صُلْبَهَا مَعَ كِسْوَةٍ وَالْإِفْرَاقَ بَيْنَهُمَا»^۲؛

۱. وسائل الشیعة؛ ابواب مقدمات النکاح، باب ۲۸، ح ۷.

۲. تهذیب الاحکام؛ ج ۷، ص ۴۶۲.

حضرت نمی‌فرماید اگر نتوانست معاش زوجه را تأمین کند، نکاح فسخ می‌شود؛ بلکه می‌فرماید: «فُرِّقَ بَيْنَهُمَا».

همچنین در صحیح‌ه ابی بصیر آمده است:

قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ: «مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ امْرَأَةٌ فَلَمْ يَكْسُهَا مَا يُؤَارِي عَوْرَتَهَا وَيُطْعِمَهَا مَا يُقِيرُ صُلْبَهَا كَانَ حَقًّا عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُفَرِّقَ بَيْنَهُمَا»^۱

نتیجه اینکه، یسار شرط در صحت عقد نیست و همچنین شرط در لزوم عقد به معنای اینکه برای زوجه خیار فسخ باشد هم نیست؛ بلکه شرط در تداوم زوجیه به این معناست که اگر یسار حاصل نشد، زن می‌تواند به حاکم شکایت کند و حاکم مرد را مجبور می‌کند به اینکه تأمین معاش کند و اگر کار نکرد، حاکم بین آنها جدایی ایجاد می‌کند.

۱. وسائل الشیعة؛ ابواب النفقات، باب ۱، ح ۲.